

با دستگیری قاتل و همدستانش پرونده قتل مهرجویی و همسرش وارد فاز جدیدی شد

راز سر به مهر در ویلای مهرجویی

پلیس چگونه به قاتل مهرجویی رسید؟

پلیس البرز با دستگیری عاملان قتل داریوش مهرجویی و همسرش در حالی به این ماجرای تکان دهنده پایان داد که هنوز تحقیقات برای کشف زوایای پنهان و راز سر به مهر در ویلای مهرجویی ادامه دارد.

به گزارش رکنא حدود ساعت ۲۲ روز شنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲، داریوش مهرجویی، کارگردان سرشناس ایرانی و همسرش وحیده محمدی فر در باغ ویلای خود به طرز هولناکی به قتل رسیدند. اولین کسی که با اجسادآن هاروبرو شد، دخترشان مونا بود. مونا دختر ۱۸ ساله این زوج که ساعتی را در خارج از منزل بود، بعد از بازگشت، مقابل در خانه با شرایط غیرعادی مواجه شد و بدون این که داخل برود از یکی از اقوامش کمک خواست. سپس دختر جوان و فامیلشان با هم وارد خانه شدند و اجساد داریوش مهرجویی و همسرش را دیدند. آن ها ابتدا تصور کردند مقتولان هنوز زنده هستند بنابراین با اورژانس تماس گرفتندو درخواست کمک کردند. همزمان نگهبان شهرکی که خانه داریوش مهرجویی در آنجاست همراه پلیس به محل رفتند، اما بررسی های اولیه نشان داد ضربات کاری بوده و داریوش مهرجویی و همسرش جان باخته‌اند. به این ترتیب بلافاصله تیم ویژه‌ای برای تحقیق درباره این جنایت تکان دهنده تشکیل شد. در خانه آن ها، هیچ دوربین مدار بسته ای نصب نبود و فقط دو دوربین مدار بسته که متعلق به باغ همسایه است، در محل وجود دارد.

به گفته ساکنین شهرک، نگهبان شهرک ورود و خروج افراد را به طور دقیق کنترل می کند و کسی بدون اجازه ساکنین اجازه ورود ندارد. به همین دلیل هم معمولاً در باغ‌ها باز است و

سید خلیل سجاد پور – مردی شریک سابق خود را به دلیل اختلافات مالی در دفتر یک وکیل دادگستری کارآجین کرد و به طرز دلخراشی کشت.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان ، صبح روز پنج شنبه گذشته، زنگ تلفن قاضی ویژه قتل عمد مشهد به صدا درآمد و خبر وقوع جنایتی هولناک در دفتر یک وکیل دادگستری، وی را به بولوار شاه در منطقه قاسم‌آباد کشاند. بررسی های مقدماتی قاضی محمود عارفی را د، در حالی به طبقه دوم یک ساختمان تجاری کشید که جسد کارآجین و خون آلودمردی حدود۴۵ ساله کنار میز عسلی شکسته افتاده بود. وضعیت به هم ریخته اتاق و ظروف شکسته حکایت از یک درگیری وحشتناک داشت. عامل جنایت چنان تیغه کاردار با خشمی کینه آلود بر پیکر مرد ۴۵ ساله فرودآورده بود که آثار جراحات های عمیق آن در نقاط مختلف بدن وی مشاهده می شد. جسد کنار صندلی های مشکی رنگ قرار داشت و خون زیادی سر آمیک های سفید بود اتاق را رنگین کرده بود. بنا به نظر کارشناسی دکتر رضا زاده (پزشک قانونی) که در محل وقوع جنایت حضور داشت، ضربات متعدد وارد به صورت کلنگی از بالا به پایین بر سر و سینه وی وارد آمده بود.

۷ کشته در تصادف شدید شامگاهی

پراید باسمند

توکلی – سانحه رانندگی در محور کهنوج – قلعه گنج کرمان جان ۷ نفر را گرفت و شش نفر را راهی بیمارستان کرد. رئیس

دانشگاه علوم پزشکی جیرفت درباره این حادثه مرگبار اظهار کرد: برخورد شدید دو خودروی سواری در ابتدای جاده کهنوج به قلعه گنج استان کرمان جان هفت نفر را گرفت و شش نفر مجروح را نیز روانه بیمارستان کرد. دکتر علی اصغر خیر خواه

عصبانی شد و با کاردی که از زیر لباس هایش بیرون آورد به سمت موکل من هجوم برد و او را با ضربات متعدد کارد به قتل رساند.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، در ادامه تحقیقات گروهی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به سرپرستی



سروان آر مین منفرد (افسر پرونده) عازم کلانتری قاسم آباد شدند و متهم مذکور را به

پلیس آگاهی انتقال دادند.

«علیرضا-آ» (متهم) در پاسخ به این سوال که

آلت قتاله (کارد) را چه کرده است به کارآگاهان گفت: بعد از ارتکاب قتل از دفتر وکیل بیرون آمدم و سوار بر پراید خود شدم اما به طرف کلانتری به راه افتادم چون می دانستم فرار هیچ فایده ای ندارد و دیر باز و کارآگاهان پلیس آگاهی به سراغم خواهند آمد.

که در مسیر بولوار شاهد به طرف کلانتری قاسم آباد حرکت بودم، کارد خون آلود را از شیشه سمت راننده به داخل بولوار انداختم و سپس خودم را تسلیم قانون کردم.

بر اساس این گزارش، در پی اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت، وی به شعبه ۲۱۱ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد هدایت شد و در همان ساعات اولیه وقوع جرم مقابل قاضی ویژه قتل عمد قرار گرفت تا به سوالات تخصصی مقام

قضایی پاسخ دهد. متهم ۴۶ ساله درباره

این ماجرای وحشتناک گفت: من و امیر با هم دوست بودیم و از سال ۱۴۰۰ تصمیم

گرفتمیم تا به صورت شرآکتی مصالح فروشی

شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۲. شماره ۲۱۳۳۶
۵ ربیع الثانی ۱۴۴۵. ۲۱ اکتبر ۲۰۲۳

خراسان روزنامه صبح ایران

در امتداد تاریکی

مربی موسیقی

هوویم شد!

روزی که همسر از من خواست به کلاس آموزش موسیقی بروم و این هنر ارز شمند را بیاموزم، هیچ گاه تصور نمی کردم که در پس این پیشنهاد دلسوزانه، نقشه شومی وجود دارد وشوهرم برای رسیدن به خواسته های خودش برای من مربی خصوصی گرفته است چرا که... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۲۵ ساله با بیان این که در ۱۷ سالگی عاشق پسر همسایه شدم، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آیکوه مشهد گفت: مشغول آخرین امتحانات مقطع دبیرستان بودم که ارتباطم را با «سعید» آغاز کردم. او در خواربار فروشی پدرش کار می کرد که سر کوچمه ما قرار داشت. من هم که بعد از جدایی پدر و مادرم از یکدیگر نزد مادرم زندگی می کردم به جملات عاشقانه «سعید» دل بستم و با هر بهانه ای به مغازه آن ها می رفتم اما این ارتباط پنهانی طولی نکشید و «سعید» به خواستگاری ام آمد ولی مادرم که خودش اوضاع اسفیل پدرم را دیده بود، احتمال می داد که «سعید» معتاد است ولی باز هم تردید داشت چون «سعید» پسر جوانی بود و ظاهرش هنوز اعتیاد را نشان نمی داد.

خلاصه با اصرار من، مادرم رضایت داد و من و سعید در حالی از دواج کردیم که در همان هفته اول نامردی اعتیاد او لورفت ولی دیگر کاری از دستم ساخته نبود و مجبور شدم به زندگی با او ادامه دهم تا شاید اعتیادش را کنار بگذارد اما بان آن که صاحب دختری یک ساله شده بودم، نه تنها «سعید» اعتیادش را ترک نکرد بلکه روز به روز بیشتر در گرداب مواد افیونی فرو رفت تا این که بالاخره بعد از ۳ سال زندگی مشترک از او طلاق گرفتم و به خواست مادرم سرپرستی دخترم را هم به پدر «سعید» سپردم اما هنوز چند ماه بیشتر از ماجرای طلاقم نمی گذشت که یکی از همسایگان مرا برای مردی خواستگاری کرد که همسرش فوت کرده بود و دختری نوجوان داشت. ابتدا موافق این ازدواج نبودم ولی سمیه خانم از ثروت و اخلاق «نعمت» تعریف کرد که انگار مرا ششت و شوی مغزی داد و من در حالی که دلتنگ دخترم بودم با «نعمت» ازدواج کردم. هنوز یک ماه بیشتر از برگزاری مراسم عقد کنار ما نگذشته بود که همسرم پیشنهاد داد تا به کلاس موسیقی بروم و این هنر ارز شمند را بیاموزم چرا که «سارا» دختر خوانده ام نیز مربی موسیقی داشت و «نعمت» معتقد بود که با این شیوه می توانم ارتباط صمیمانه ای با «سارا» برقرار کنم و او را از افسردگی مرگ مادرش نجات دهم. چند روز بعد زن به نام «فریبا» به منزل ما آمد تا به طور خصوصی به من «دف زنی» بیاموزد. اگر چه «فریبا» هفته ای ۳ روز به منزل ما می آمد اما در همین مدت من با او ارتباط خوبی برقرار کردم به طوری که انگار سنگ صبور بودم و من با او صمیمانه درد دل می کردم و از دلتنگی هایم می گفتم و اشک می ریختم. حتی از رفتارهای «سارا» گلایه می کردم و از راهی زندگی ام را با او در میان می گذاشتم. «فریبا» هم مردالداری می داد و به صبر دعوت می کرد. اما روزی که بیرون از منزل در محله به کلاس موسیقی در منزل رسیدم، ناگهان شوهرم را با «فریبا» تنها دیدم و تازه فهمیدم که «فریبا» به عقد موقت «نعمت» درآمده و هووی خودم است. شوهرم با سوءاستفاده از من و دخترش، «فریبا» را به بهانه آموزش موسیقی به منزل آورده بود تا مادر باره از دواجش اعتراف نکنیم. این درحالی بود که اوحتی قبل از دواج با من نیز با «فریبا» ارتباط داشت و مرا فقط برای همراهی و پرستاری از «سارا» می خواست. حالا هم به کلانتری آمده ام تا از او طلاق بگیرم اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است بررسی های کارشناسی و اقدامات مشاوره ای در این باره با صدور دستوری از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری آیکوه مشهد) در دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس

پیشگیری خراسان رضوی

آکهی فقدان سند مالکیت

آقای جواد طلوع آجیلی طوسی با ارائه استشهاد محلی تقاضای صدور سند مالکیت المثنی به میزان مالکیت ۵۵ سهم مشاع از ۵۸۱۴۹ سهم، شش دانگ پلاک ۵۷ فرعی از ۱۸۱ اصلی بخش ۱۰ مشهد را نموده که به نامش ثبت و سند به شماره ۲۴۴۴۶۶ با شناسه الکترونیکی ۱۴۰۱-۵۴۱۵-۵۴ صادر گردید حسب به اعلام متقاضی صدور سند المثنی در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آکهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آکهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه گردد چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. م الف ۱۰ الف ۱۰۲/۲۹

حسن ابوترابی – مدیر حوزه ثبت ملک طبقه شانزین

آکهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه نظر به اینکه خانم مریم فخر بهیادی طبق وگالتنامه شماره ۱۳۴۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۳ دفترخانه ۱۱ شهرستان مشهد بوقتک از خانم سکینه فخر بهیادی فرزند علی محمد باسناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت شش دانگ اعیان یکپار به شماره پلاک ۱۶۳۰۶ فرعی از ۲۲۲ اصلی بخش ۱۰ مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد: شش دانگ مالکیت نامبرده در ذیل شماره دفتر املاک ۹۴۴ صفحه ۲۷۹ شماره ثبت ۹۴۴ بنام خانم سکینه فخر بهیادی ثبت و سند مالکیت به شماره چایی ۱۸۰۳۸ صادر گردیده دفتر املاک پیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آکهی و متفکر میگردد هر کس نسبت به مورد آکهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد میباشد. بایستی طرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آکهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی، نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م الف ۳۵۷

علی قاضی – مدیر اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس